

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲

(صفحات ۱۴۳ تا ۱۶۲)

ارسلان قربانی^۱ * حسین سفاری^۲

پذیرش: ۹۵/۲/۹

دریافت: ۹۴/۱۲/۲۰

چکیده

ژاپن در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، بر خلاف قرابت‌های سیاسی و فرهنگی دیرین با ایران با تحریم‌های طراحی شده آمریکا ضد ایران همکاری کرد. در مقابل ایران تلاش کرد، با نادیده گرفتن هژمونی آمریکا و استفاده از مزایای نسبی خود به توسعه روابط با ژاپن بپردازد اما در این راه موفق نبود. مقاله ارتباط این مساله را با ساختار هژمونیک روابط بین‌الملل و نقش هویت‌ها در تحولات بین‌المللی بررسی می‌کند. در تبیین این رابطه با چارچوبی برخاسته از نظریه سازه‌انگاری، الگویی هویتی از تعامل سه کشور آمریکا ژاپن و ایران ترسیم کرده‌ایم. بر اساس این الگو ژاپن در تقسیم بندی دوگانه هویتی به عنوان یک «ما» در کنار آمریکا از نزدیک شدن به ایران به عنوان «دیگری» خودداری کرده است. پرسش این است که چگونه رویکرد هویتی ژاپن تحت تأثیر هژمونی آمریکا بر رفتار این کشور در عرصه سیاست خارجی تأثیر گذاشته است؟ فرضیه مقاله این است که رویکرد پذیرنده هژمونی برخاسته از هویت سیاسی و بین‌المللی ژاپن،

۱. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی؛

Hsafari2892@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، (نویسنده مسئول)؛

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

عامل اصلی همراهی توکیو با تحریم‌های اعمال شده آمریکا ضد ایران بوده است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها فیش‌برداری کتابخانه‌ای و اینترنتی از منابع مربوط به سیاست خارجی هر سه کشور ژاپن، آمریکا و ایران بوده است.

واژگان کلیدی: هویت، هژمونی، ژاپن، ایران، آمریکا.

مقدمه

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، پژوهشگران روابط بین‌الملل بیش از گذشته به اهمیت عناصر غیر مادی و به‌خصوص فرهنگ و هویت در تحولات جهانی توجه کردند. نتیجه این توجه، رونق یافتن مطالعات سازه‌انگارانه و پست‌مدرن بود که به جای اصل قرار دادن عناصر مادی تلاش داشتند، تحولات بین‌المللی را با نگاه به عناصر غیر مادی مانند هنجارها^۱، فرهنگ‌ها^۲ و بالاخره هویت‌ها^۳ تبیین کنند. (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۷۰) این مقاله هم در تلاش است با رویکرد و نگاه هویتی برخاسته از سازه‌انگاری، در کنار توجه به واقعیت‌های موجود در ساختار روابط بین‌الملل، از جمله پدیده هژمونی، نقش آمریکا را در همراهی ژاپن با تحریم‌های ایران بررسی کند.

در تعریف ونت از سازه‌انگاری هویت یک ویژگی ذهنی است که ریشه در فهم کنشگر از خود و دیگران دارد. البته این فهم ابتدا از درک کنشگر از خود شروع می‌شود و به تلقی او از دیگران و کل نظام بین‌الملل هم تسری پیدا می‌کند. هویت از نظر ونت دارای دو ستون مهم و اصلی «خود» و «دیگری» یا همان «ما» و «دیگران» است. این هویت به دولت‌ها اجازه می‌دهد جهان را معنا کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و دیگری را دوست یا دشمن تعریف کنند.

بر این اساس نگاهی به روابط سه کشور آمریکا، ژاپن و ایران، جلوه‌های آشکاری از تعاملات هویتی را به دست می‌دهد. آمریکا پس از انقلاب اسلامی در دوران شش‌رئیس جمهور یعنی جیمی کارتر، رونالد ریگان، جرج بوش پدر، بیل کلینتون، جرج بوش پسر و باراک اوباما؛ براساس هویت هژمونیک خود، سیاست مهار و به‌خصوص تحریم ایران را تعقیب کرد. ژاپن هم به عنوان متحد آمریکا در همه این دوران‌ها با وجود تغییر مکرر دولت‌ها که ظرف ۳۵ سال به ۲۱ کابینه رسید با تحریم‌ها و دیگر اقدامات آمریکا ضد ایران همراهی کرد.

سوال اصلی تحقیق این است: «چه عاملی باعث همراهی ژاپن در سیاست ضد

1. Norms
2. Cultures
3. Identities

ایرانی آمریکا در دوران بررسی ما یعنی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ شمسی شده است؟» سوالات فرعی که از دل سوال اصلی بر می‌آید و تحقیق ما در صدد پاسخگویی به آنها بر می‌آید این است که، «اگر این عامل بر اساس نگاه سازه انگارانه به روابط بین‌الملل، «هویت» باشد چه گونه‌هایی از هویت موجب این گرایش در همراهی ژاپن با سیاست خارجی آمریکا شده است؟» و «در نهایت چه نقطه تعادلی را می‌توان در این روابط سه جانبه ترسیم کرد تا هر کدام از سه دولت بتواند فعل و انفعال در روابط سه جانبه بر اساس رویکرد هویتی خود را ترسیم کند و انتظار خود را از دو طرف دیگر این رابطه در نتیجه هر گونه کنش در سیاست خارجی پیش‌بینی نماید.»

فرضیه مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی به روابط آمریکا، ژاپن و ایران توجه کرده، آن است که احساس تعلق هویتی ژاپن آنگونه که نظریه سازه انگاری تبیین کرده است، موجب نزدیکی ژاپن به آمریکا و دوری از ایران شده است.

تحقیقات فراوانی در خصوص روابط ایران و ژاپن، ایران و آمریکا و ژاپن با آمریکا صورت گرفته است. در تحقیقات مربوط به روابط ایران و ژاپن به مولفه‌های هویتی مشترک میان دو کشور اشارات فراوانی شده اما نقش چندانی برای تأثیر هژمونی آمریکا بر این روابط منظور نشده است. (عراقچی، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۷۰) (کولایی و تیشه یار، ۱۳۸۷: ۵۹-۲۱۱) (Allan and Kaora, 1993: 43-76) (Yarshater, 2012: 546-580)

پژوهش‌های مربوط به روابط ایران و آمریکا به شکل قابل ملاحظه‌ای به تقابل هویتی دو کشور پرداخته‌اند، اما آنها نیز از چارچوب روابط دو کشور فراتر نرفته‌اند. (شفیعی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۳-۸۰)، (خواجه پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۲-۱۴) (Khan, 2007: 1-16) (مشیرزاده و جعفری، ۱۳۹۱: ۴۷-۷۸) (علیخانی، ۱۳۸۸: ۲۵-۵۹) (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۸۲۷-۸۵۲) (سخایی، ۱۳۸۹: ۵-۲۴۰) (عشرتی خلیل آباد و حسینی، ۱۳۹۳)

در باره مناسبات آمریکا و ژاپن هم با وجود دخالت دادن دولت‌های ثالث جای ایران در بررسی‌های سه جانبه خالی است. (Armitage and Nye, 2012: 1-32) (Kingston, 2011: 20-67) (Nicole Trisco, 2010: 1-26)

ملاحظه می‌شود که در تحقیقات صورت گرفته گوشه‌هایی از چارچوب مورد نظر تحقیق ما وجود دارد. نوآوری این پژوهش، آوردن روابط آمریکا، ژاپن و ایران در یک الگوی واحد براساس رویکرد هویتی است. این چارچوب که برخاسته از نظریه سازه

انگاری و توجه به عوامل غیرمادی و مادی در تحولات بین‌المللی است، می‌تواند حرکت‌های سه دهه از روابط سه دولت را تبیین کند و در عین حال تأثیر سیاست خارجی آمریکا را به عنوان قدرت هژمون بر روابط ژاپن با ایران، بررسی کند. رویکرد سازه‌انگارانه، همچنین نقطه تعادل را با توجه به گرایش‌های هویتی در روابط سه جانبه آمریکا، ژاپن و ایران در موضوع تحریم و دیگر موضوعات مشخص خواهد کرد.

۱. مبانی نظری

به نظر می‌رسد اقدامات آمریکا ضد ایران و تبعیت ژاپن از این اقدامات در نتیجه تغییر هویت ایران پس از انقلاب اسلامی و تبدیل آن به هویت ضد هژمونی بود. این تغییر هویت آثار اقتصادی شگرفی داشت و با آنکه ژاپن پیش از انقلاب اسلامی سالانه بیش از چهل میلیارد تن نفت از ایران وارد می‌کرد، این میزان پس از انقلاب به کمتر از بیست میلیارد تن و در دوران کارتر با آغاز بحران گروگانگیری در سفارت آمریکا به صفر رسید. (Nada, 2014)

تبعیت هویتی ژاپن در سیاست خارجی با گذشت زمان ادامه یافت. در دوران ریگان، با حمایت ضمنی آمریکا از صدام در جنگ تحمیلی، ژاپن با آنکه در جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود، همچنان سطح همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با ایران را پایین نگه داشت. به محض جدی شدن برتری ایران در سال ۱۳۶۱ شمسی-۱۹۸۰ میلادی، یوشیو ساکوراجی^۱ وزیر خارجه وقت ژاپن بیانیه‌ای منتشر کرد و ایران و عراق را به پایان مخاصمه و آغاز گفتگوها فرا خواند. کنار کشیدن شرکت میتسوئی^۲ ژاپن از طرح پتروشیمی بندر امام (ره) در ابتدای جنگ تحمیلی هم ضربه‌ای اقتصادی به ایران در حال جنگ با عراق بود که با حمایت دولت زنکو سوزوکی^۳ در ژاپن و در تبعیت از سیاست خارجی آمریکا صورت گرفت. (Rajaei, 1995: 25-50)

مهمترین جلوه تأثیر تحریم آمریکا بر روابط ژاپن با ایران را می‌توان در سال ۱۹۸۸ میلادی- بهمن ۱۳۶۶ مشاهده کرد. در این دوره رویارویی نیروهای نظامی ایران

1. Yoshio Sakorachi

2. Mitsui

3. Zenko Suzuki

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

با آمریکا در خلیج فارس به جنگ نظامی منجر شده بود. نابورو تا که شیتا^۱ نخست وزیر ژاپن پس از دیدار با رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن از کاهش بیشتر خرید نفت از ایران خبر داد. این کاهش خرید نفت از ایران در کنار منع فروش اقلامی مانند خودرو به ایران عاملی برای فشار بر تهران در ماه‌های آخر جنگ تحمیلی شد و ایران را مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ کرد. (Yarshater, 2012: 546-580)

در دولت کی ایچی میازاوا^۲ که سال ۱۹۹۱ میلادی یا ۱۳۷۰ شمسی کار خود را آغاز کرد، موضوع حضور ژاپن در سد کارون ۴ مطرح شد اما این کار به علت فشار آمریکا و تصویب قانون داماتو منتفی گردید. این بار هم ژاپن در همراهی با سیاست تحریمی آمریکا از طرح کارون ۴ پا پس کشید. (مسعود نیا، ۱۳۹۰: ۷۹)

سید محمد خاتمی رئیس جمهور وقت ایران در آبان ۱۳۷۹ سفری به ژاپن داشت و دستاورد دیدار خاتمی و یوشیرو موری^۳ نخست وزیر وقت ژاپن برای ایران، اعلام پرداخت تسهیلات سه میلیارد دلاری ژاپن برای توسعه میدان نفتی آزادگان بود. البته این تسهیلات وعده داده شده، هیچگاه پرداخت نشد و به علت آغاز بحران هسته‌ای میان ایران و آمریکا باز هم ژاپن از همکاری اقتصادی با ایران خودداری کرد. (نوازی، ۱۳۸۱: ۴۴۶)

افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۲ شمسی - ۲۰۰۳ میلادی و ارجاع موضوع به شورای امنیت در سال ۱۳۸۴ شمسی - ۲۰۰۵ میلادی، موجب شد شورای امنیت تحریم‌هایی ضد ایران وضع کند و ژاپن با همه آنها همراهی کرد. (احمدیان و احمدی، ۱۳۹۲: ۲۰)

از سال ۲۰۰۷ میلادی - ۱۳۸۶ شمسی، که روند تصویب قطعنامه‌های ضد ایرانی در شورای امنیت سرعت یافت، دولت ژاپن همراهی کامل با آمریکا را در اجرای قطعنامه‌ها در پیش گرفت و در اطلاعیه‌های رسمی دولتی که در بیانیه‌های رسمی وزارت خارجه این کشور انعکاس یافت، به صراحت این همکاری را اعلام کرد.^۴ (Jmofa, 4/3/2008) در نهایت در دسامبر ۲۰۱۱ میلادی - ۱۳۹۰ شمسی، دولت ژاپن

1. Naboro Takeshita

2. Kiichi Miazawa

3. Yoshiro Mori

4. <http://www.mofa.go.jp/announce/announce/1174290/6/2007-828.html>

با صدور بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد ۱۰۶ شرکت، فرد و مجموعه ایرانی را تحت تحریم‌های مصوب شورای امنیت قرار می‌دهد. این تحریم‌ها در اجرای قطعنامه‌های ۱۷۳۷-۱۷۴۷-۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ وضع شده بود.^۱ (Jmofa, 13/3/2012)

مشاهده می‌شود که ژاپن به عنوان یک دولت آسیایی از هویت سیاسی و بین‌المللی در روابط با ایران به‌طور کامل از آمریکا تبعیت کرده است. آمریکا هم به عنوان قدرت هژمون با اعلام سیاست مهار ایران در صدد بوده که جلوی توسعه روابط تهران با هر دولت دیگری از جمله توکیو را بگیرد و یا آنرا محدود سازد. پیشینه روابط تهران و توکیو و نیاز ژاپن به نفت و قربت‌های فرهنگی، به‌طور طبیعی باید موجب می‌شد که روابط دو کشور گسترش یابد و یا تصمیم ژاپن را برای حضور در جمع متحدان آمریکا لاقلاً در تحریم ایران منصرف کند، اما نگاهی به عملکرد دستگاه سیاست خارجی ژاپن نشان می‌دهد که ژاپن به‌طور کامل از تحریم‌های گوناگون آمریکا چه در قالب شورای امنیت و سازمان ملل و چه تحریم‌ها برخاسته از ماهیت فرامرزی قوانین داخلی واشنگتن پیروی کرده است.

۱-۱. ارتباط میان هویت و هژمونی

بر اساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد چارچوب مناسب برای ریشه‌یابی همراهی ژاپن با تحریم‌های آمریکا ضد ایران توجه به قالب تحلیلی سازه‌انگاره است. جوهر اصلی برداشت سازه‌انگاره الکساندر ونت^۲ از روابط بین‌الملل در مفهوم هویت خلاصه می‌شود. در نگرش هویتی ونت اینکه دولت‌ها چه پدیده‌هایی را در روابط بین‌الملل به شکل «ما» و یا «دیگری» تلقی کنند در رویکردها و روابط آنها تأثیر کلیدی خواهد داشت. (سازمند و ترک تبریزی، ۱۳۸۹: ۵۸)

دولت‌ها هویت سیاسی و بین‌المللی دارند. هویت سیاسی در واقع تصویری است که هر دولت از خود در داخل ارائه می‌کند. دولت‌ها با توجه به هویت سیاسی، اعتقادات، نگرش‌ها و ارزش‌ها نوع طرز تلقی‌هایشان را معرفی می‌کنند. هویت سیاسی در ورای معرفی خود سعی می‌کند تا بسیاری از مفاهیم کلی نظیر ایدئولوژی سیاسی، اخلاق و

1. <http://www.mofa.go.jp/announce/announce/0313/3/2012-01.html>

2. Alexander Wendt

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

روح ملی را مشخص کند و ملاک‌های مشخصی را از دوگانه «ما» و «دیگران» در داخل دولت ارائه کند. براین اساس است که مثلاً ژاپن می‌تواند دولت‌های دموکراتیک را از مقوله «ما» تصور کند و «دیگران» را دولت‌هایی بداند که به هر دلیل فاقد نظام سیاسی دموکراتیک هستند. در طرف مقابل ایران با معرفی هویت اسلامی می‌تواند دولت‌های اسلامی را بخشی از «ما» و دولت‌های غیر اسلامی را «دیگران» بخواند. همین تلقی است که می‌تواند یک دولت را در سیاست خارجی همراه هژمون کند و یا مقابل آن قرار دهد. (خیبری، ۱۳۷۸: ۸۷)

هویت سیاسی در نگاه سازه‌انگاران موجب جهت‌گیری‌های عملی دولت‌ها در محیط بین‌المللی می‌گردد. این جهت‌گیری‌ها می‌تواند در درجه نخست «شناختی»^۱ باشد. جهت‌گیری شناختی به معنی این است که مردم و ساختارهای نظام سیاسی چگونه خود را می‌شناسند و هویتشان را چگونه تعریف می‌کنند. نوع دیگر جهت‌گیری «ارزشی»^۲ است و آن اینکه نظام سیاسی چه چیزی را تهدید یا خطر تصور می‌کند یا اینکه به استقبال چه چیزی می‌رود؟ نوع سوم جهت‌گیری یک پدیده سیاسی در داخل مرزها، جهت‌گیری «نظام»^۳ است که شامل تمایلات نهادهای حکومتی و حزبی و رسانه‌های جمعی است. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

دولت‌ها رویکردی هم به خارج از مرزها دارند که «هویت بین‌المللی» آنها را شکل می‌دهد. هویت بین‌المللی مجموعه‌ای از هنجارهاست که به رفتار بازیگران شکل می‌دهد و فرضیات زیربنایی و قواعد رفتار حکومتی در نظام بین‌المللی را می‌سازد. هویت بین‌المللی در برخورد یک دولت با سه مقوله رژیم‌ها، هنجارهای حقوق بین‌الملل و رویکرد جامعه مدنی جهانی به آن قابل درک و شناخت خواهد بود. (خیبری، ۱۳۷۸: ۸۹)

از سوی دیگر مفهوم هژمونی^۴ قرار دارد. در این نگاه حضور قدرت هژمون رفتار طبیعی دولت‌ها در نظام بین‌الملل را تغییر می‌دهد. اندیشمندان روابط بین‌الملل «هژمونی» را به نفوذی اطلاق می‌کنند که یک قدرت بزرگ می‌تواند در نظام بین‌الملل داشته باشد

1. Cognitive
2. Value Orientation
3. System Orientation
4. Hegemony

و با آن تحولات بین‌المللی را به دلخواه خود متأثر سازد. نفوذ بر دیگر کشورها می‌تواند از رهبری؛ که دارای نوعی مشروعیت است، تا سلطه؛ که بیانگر زور و اجبار است، در نوسان باشد. (بیلیس، ۱۳۸۳: ۳۶۳) از نگاه گرامشی^۱ نظریه‌پرداز مفهوم «هژمونی»، سلطه به معنای اعمال قدرت بدون رضایت بر افراد تحت حکومت و «هژمونی» گونه‌ای رهبری فکری و اخلاقی است که به مراتبی از «مقبولیت» هم مزین شده باشد. گرامشی قدرت واقعی نظام حکومتی را در خشونت یا قدرت با عنف و جبر نمی‌داند، بلکه از نظر او بازیگران تحت هژمونی «مفهومی از جهان» را می‌پذیرند که متعلق به قدرت برتر است. (بشیریه، ۱۳۷۹) با پیش کشیدن موضوع هژمونی ما در واقع بدنبال آنیم که نگاه مساوی انگارانه هویت‌ها را که بیشتر از دیدگاه‌های فرهنگی روابط بین‌الملل بر می‌خیزد، به سوی واقعیت‌های روابط بین‌الملل سوق دهیم و مشخص سازیم که برتری نسبی در بعد سیاست داخلی و بین‌المللی، در کنار مقبولیت در جهان، می‌تواند در تفوق و یا انزوای هویت‌ها در عرصه بین‌المللی نقش داشته باشد. (پورقیومی، ۱۳۸۸: ۴۹-۸۰)

به این ترتیب دولت‌هایی که هژمونی را می‌پذیرند، نه بر اساس زور و اجبار بلکه بر اساس هویتی که برای خود قائلند، با دولت هژمون همکاری می‌کنند و روابط خوبی با دولت‌های مخالف هژمونی برقرار نمی‌کنند. به دیگر سخن، دولت پذیرنده هژمونی از نظر هویتی به گونه‌ای «ما» را تعریف می‌کند که شامل خود و قدرت برتر جامعه بین‌الملل یا همان هژمون شود. این دولت رفتاری متفاوت از دولتی خواهد داشت که خود را در نقطه مقابل هژمون تعریف کرده است و این همان تفاوت هویتی است که میان دولت پذیرنده و مقابله کننده با هژمونی به وجود می‌آید و در عمل موجب می‌شود میان دولت پذیرنده هژمونی (ژاپن) و دولت مقابله کننده با هژمونی (ایران) روابط مناسبی شکل نگیرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

۲-۱. جدول ارتباط هویت و هژمونی

از تداخل طبقه‌بندی‌های هویتی دولت‌ها در عرصه سیاسی و بین‌المللی و ارتباط آنها با هژمونی، جدول (۱) پدید می‌آید. در این جدول خصوصیات هویتی دولت‌ها که برخاسته

1. Antonio Gramsci

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

از سازه انگاری است، با چارچوب هژمونیک جامعه بین‌الملل، پیوند خورده است. به عبارت آشکارتر، در ستون دولت هژمون می‌توان خصوصیات هویتی آمریکا، در ستون دولت پذیرنده هژمونی خصوصیات هویتی ژاپن و در ستون دولت مخالف هژمونی خصوصیات ایران را می‌توان مشاهده کرد. (کرمی، ۱۳۸۵: ۱۱)

جدول ۱. تجلیات ارتباط با هویت هژمونی در روابط بین‌الملل

نوع هویت	نوع دولت / جهت‌گیری هویت	قدرت هژمون	دولت تحت هژمونی خودخواسته	دولت تحت هژمونی تحمیلی
هویت سیاسی	۱. جهت‌گیری شناختی	استثناگرایی، مسئولیت جهانی	جایگاه مؤثر در معادلات جهانی	رسالت ایستادگی در برابر هژمون
	۲. جهت‌گیری ارزشی	تولیدکننده باورها، ارزش‌ها و استانداردها	قبول باورها، ارزش‌ها و استانداردها	مقابله با باورها، ارزش‌ها و استانداردهای هژمون - تلاش برای ایجاد ارزش‌های جایگزین
هویت بین‌المللی	۳. جهت‌گیری نهادهای داخلی	مداخله‌گرایی در نهادهای حاکمیتی	همکاری با قدرت هژمون در نهادهای حاکمیتی	مقبله با هژمونی در نهادهای حاکمیتی
	۱. رژیم‌های بین‌المللی	مهار- رقابت- تنش‌زدایی	ائتلاف	خواستار تجدیدنظر رژیم‌ها
	۲. هنجارهای حقوقی بین‌المللی	مؤسس و طراح هنجار حقوق بین‌الملل مسلط	متعهد به تداوم هنجار حقوق بین‌الملل مسلط	در تلاش برای برهم زدن هنجار حقوق بین‌الملل مسلط
	۳. جایگاه در جامعه مدنی بین‌المللی	دولت نمادین- رهبر جهان آزاد	عضو جهان آزاد	دولت یاغی و سرکش

در این جدول مشاهده می‌شود، قدرت هژمون یعنی آمریکا با دارا بودن ویژگی‌هایی مانند استثناگرایی، تولید باورها و ارزش‌ها، مداخله‌گرایی در نهادهای حاکمیتی و طراحی رژیم‌ها و هنجارهای حقوق بین‌الملل در کنار تصدی جایگاه رهبری جهان آزاد در جامعه مدنی بین‌المللی بر همه ارکان جامعه بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر ابتدا به دولت پذیرنده هژمونی (ژاپن) متوجه می‌شود. دولت پذیرنده هژمونی هم به دلیل ائتلاف با قدرت برتر، امکان نزدیک شدن سیاست خارجی با دولت مقابله‌کننده با هژمونی یعنی ایران را از بین می‌برد.

۲. یافته‌های تحقیق

۲-۱. مولفه‌های اثرگذاری هژمونی آمریکا بر سیاست خارجی ژاپن در ماجرای

تحریم ایران

ژاپن به عنوان دولت پذیرنده هژمونی از نظر هویتی در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی از شش نظر در سیاست خارجی خود از آمریکا تأثیر پذیرفته است. تأثیرات شش‌گانه که در نهایت موجب همراهی ژاپن با تحریم ایران شده و در جدول شماره ۱ به آن اشاره شده، به این شرح است:

۲-۱-۱. قبول استثنا‌گرایی آمریکا و تلاش برای رسیدن به جایگاه موثر در جامعه

بین‌المللی

هانس مورگنتا اعتقاد دارد که استثنا‌گرایی موجب بسط قاره‌ای و تبدیل هژمونی آمریکا به یک قدرت بزرگ آزاد و ثروتمند می‌شود. استثنا‌گرایی برای آمریکا به این معنی است که «هم خود را از سایر ملل متمایز می‌داند و هم بر آنها برتری دارد» و به این نتیجه‌گیری منتهی می‌شود که «هرچه برای هژمون خوب است، برای کل دنیا هم خوب است». (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

در طرف دیگر دولت پذیرنده هژمونی یعنی ژاپن قرار دارد. این هویت اگرچه از برتری یافتن استقبال می‌کند و بدنبال قدرت و ثروت بیشتر است؛ اما حاضر نیست هزینه‌های آنرا که اغلب با سیاست‌های توسعه‌طلبانه مبنی بر غلبه و به انقیاد کشیدن دیگران حاصل می‌شود، بپذیرد. به این ترتیب ژاپن حاضر است در مورد یک کشور ضد هژمون مانند ایران، با آمریکا همکاری کند و استثنا‌گرایی دیکته شده از طرف آمریکا را حتی در تحریم ایران، بپذیرد. (سلیمی، ۱۳۹۳: ۳۱-۶۰)

۲-۱-۳. تعهد به حفظ قدرت آمریکا از طرف پذیرنده هژمونی یعنی ژاپن

در آمریکا به عنوان قدرت هژمون نوعی تعهد به حفظ قدرت برتر در داخل ساخت اجتماعی، شکل گرفته است. تلاش برای افزایش قدرت ملی و پیشتازی در عرصه فن‌آوری امور نظامی و اقتصادی، همگی زمینه‌هایی هستند، که هژمون در تلاش برای حفظ برتری خود یا ارتقای توانایی در آن زمینه‌هاست. (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱-۲۸) در این

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

چارچوب دولت مخالف هژمونی مهمترین تهدید برای امنیت ملی قدرت مسلط معرفی می‌شود. به این ترتیب از دولت پذیرنده هژمونی مانند ژاپن شرکت در اقدامات سیاسی اقتصادی و نظامی ضد ایران طلب می‌شود و ژاپن هم با توجه به تعهد به حفظ برتری هژمون آن را می‌پذیرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

۴-۱-۲. جهت‌گیری نهادهای سیاسی آمریکا ضد ایران و همکاری ژاپن با آن

جهت‌گیری هژمونیک در هر سه نهاد اجرایی، تقنینی و قضایی آمریکا در دوره بررسی به چشم می‌خورد. مداخله‌گرایی قوه مجریه، تسری قوانین به خارج در قوه مقننه، تسری صلاحیت به خارج در قوه قضائیه، مهمترین نمودهای جهت‌گیری نهادهای سیاسی هژمون در بعد داخلی است که با همکاری در دولت ژاپن به عنوان پذیرنده هژمونی روبرو شده است. (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۳۷-۶۶)

۵-۱-۲. همکاری ژاپن با رژیم‌های بین‌المللی و مقابله ایران

هژمونی آمریکا رژیم‌های متعددی مانند رژیم تحریم، رژیم پولی، رژیم امنیت، رژیم عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای و رژیم حقوق بشر در دو سطح رسمی و غیر رسمی تاسیس کرده است تا بر ایران فشار وارد کند. در این مسیر از همکاری ژاپن هم بهره برده است. (خبییری، ۱۳۷۸: ۸۵-۸۸) برقراری رژیم تحریم خرید نفت ایران در دهه ۱۳۹۰ شمسی که موجب کاهش درآمد نفتی تهران شد، بر اساس یک رژیم بین‌المللی غیر رسمی صورت گرفت و ژاپن هم به عنوان دولت پذیرنده هژمونی با آن همراهی کرد.

۶-۱-۲. طراحی هنجار حقوق بین‌الملل از سوی آمریکا و تعهد ژاپن به تداوم هنجار

هژمونی آمریکا با همراه کردن سایر اعضای مهم نظام بین‌الملل هنجارهای حقوق بین‌الملل را شکل داده است. در مقابل ژاپن با قبول موضع ممتاز دولت هژمون چارچوب مسلط برای حقوق بین‌الملل را پذیرفته است. در این چارچوب ژاپن مانند دیگر دولت‌های پذیرنده هژمونی در مجامع بین‌المللی، نظرش را با قدرت هژمون تنظیم کرده و به هژمونی در نهادهای بین‌المللی مشروعیت بخشیده است. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۹۸)

۷-۱-۲. شناسایی هژمونی آمریکا به عنوان دولت مقبول در جامعه مدنی جهانی

اگرچه دیدگاه‌های جامعه مدنی جهانی سایش‌هایی با قدرت هژمون آمریکا دارد، اما

جهت اصلی آن، با توجه به تلقی کلی از مقبولیت حرکت‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی واشنگتن با دیدگاه‌های هژمون همراهی داشته است. یکی از علل مهم این مقبولیت حرکت فرهنگی بین‌المللی است که به‌طور عمده تأیید‌کننده هنجارها و رفتار قدرت هژمون است. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۱۰)

در مقابل ژاپن به عنوان دولت پذیرنده هژمونی، امکان آنرا دارد که از دیدگاه منفی جامعه مدنی جهانی در امان بماند اما ایران به عنوان دولت مقابله‌کننده با هژمونی از این امتیاز محروم می‌شود. با توجه به نظر منفی جامعه مدنی جهانی به دولت‌های مخالف هژمونی، دولت پذیرنده در موضوعی مانند تحریم ایران تلاش می‌کند از دولتی مانند ایران دوری و با آمریکا همراهی کند تا چهره نامطلوبی در جامعه مدنی جهانی پیدا نکند.

۳-۱. نقطه تعادل در روابط ایران، ژاپن و آمریکا

آنچه موجب نوسان در روابط ژاپن با ایران شده، نوع نگرش آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون به این روابط بوده است. اگر در سایه تحولات بین‌المللی رویکرد آمریکا به عنوان دولت هژمون به این روابط مثبت شده، روابط ژاپن به عنوان دولت پذیرنده هژمونی با ایران به عنوان دولت مخالف هژمونی، به سوی نزدیکی حرکت کرده و هرچه گرایش دولت هژمون به روابط این دو دولت منفی‌تر بوده روابط ژاپن با ایران سردتر شده است.

روابط میان آمریکا با ایران در دوران بررسی یعنی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ بیانگر سال‌ها خصومت بوده به گونه‌ای که هر یک موفقیت منطقه‌ای یا بین‌المللی دیگری را نوعی شکست برای خود تلقی می‌کرده‌اند. ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد بارها تا مرز رویارویی نظامی همه‌جانبه پیش رفته‌اند و فشارهای مختلف آمریکا بر ایران در قالب حرکت‌های سیاسی نظامی و اقتصادی در عرصه بین‌الملل هیچگاه متوقف نشده است، هر چند در مقاطع مختلف دچار ضعف و شدت‌هایی بوده است. (افتخاری و باقری، ۱۳۸۹: ۱۲)

در مقابل اگر ژاپن به عنوان دولت پذیرنده هژمونی با تغییراتی در سیاست خارجی از قدرت هژمون دور می‌شده می‌توانسته بیشتر به ایران نزدیک شود. حرکت‌های ژاپن در

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

تعقیب ساخت پتروشیمی ماهشهر در دوران دولت موقت، توجه به توسعه میدان نفتی آزادگان در دوران هاشمی رفسنجانی و اقدام برای سرمایه گذاری در سد کارون ۴ در دوران ریاست جمهوری خاتمی همگی بیانگر این گرایش ژاپن است. البته این حرکت‌ها به فرجام نرسیده و تقریباً در همه موارد به علت گرایش غالب توکیو به همراهی با آمریکا در سیاست خارجی ناتمام مانده‌اند. (کولایی و تیشه یار، ۱۳۸۷: ۵۹-۲۱۱)

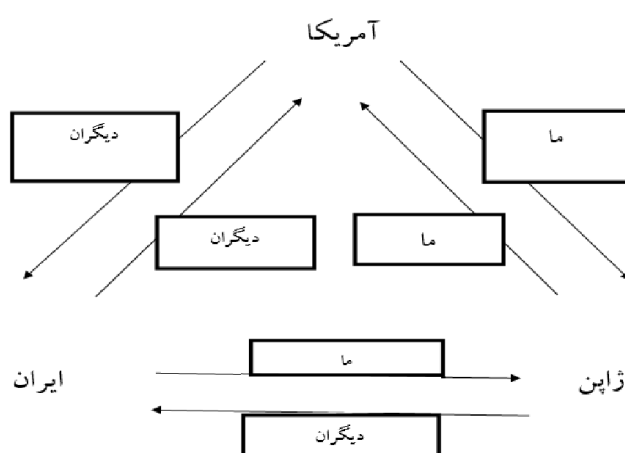
گرایش هژمونیک آمریکا هم در این میان نوساناتی داشته است. آمریکا در برخی دوران‌ها مانند کارتر، کلینتون و اوباما کمتر به ابزارهای هژمونیک مانند یکجانبه گرایی، حمله نظامی و دیگر ابزارهای گرایش محافظه کارانه توسل جسته است. به این ترتیب در این دوران‌ها نزدیکی بیشتری در روابط ژاپن با ایران بوجود آمده است. برعکس در دوران حکومت جمهوریخواهان یعنی ریگان و بوش اول و دوم گرایش هژمونیک آمریکا تشدید شده و همین موضوع موجب شده، عقب‌نشینی در حرکت‌های ژاپن به سوی ایران رخ دهد. البته به دلیل تقابل هویتی موجود میان آمریکا با ایران پس از انقلاب هیچ‌گاه این تحولات سیاسی و بین‌المللی موجب بهبودی پایدار در روابط ژاپن با ایران نشده است.

از نگاه سازه انگارانه و توجه به الگوی «ما» و «دیگران» نتایج همان‌گونه که در شکل (۲) آمده نگاه هویتی به روابط سه جانبه آمریکا ژاپن و ایران می‌تواند تعاملات سه کشور را به خوبی تبیین کند.

بر این اساس، آمریکا در سراسر این ۳۵ سال ژاپن را یک هویت هم ساز و بخشی از «ما» می‌پنداشته است و با چنین احساسی از طرف ژاپن هم روبرو بوده است. زمینه‌های بسیاری موجب این احساس بوده که تهدیدات مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد امنیت از طرف آمریکا برای ژاپن در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و فواید اقتصادی تبعیت ژاپن از هژمونی آمریکا بخشی از آنها محسوب می‌شود که موجب شده ژاپن و آمریکا هر یک دیگری را بخشی از هویت خود یا همان «ما» بدانند. (سنبل، ۱۳۸۷: ۸۳۷-۸۴۰)

در مقابل آمریکا و ایران در تمام این سال‌ها از یکدیگر تلقی «دیگران» را داشته‌اند. این تلقی به سال‌های دراز بی‌اعتمادی میان دو کشور بر می‌گردد که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز می‌شود. حمایت آمریکا از حکومت شاه که با انقلاب اسلامی سرنگون شد،

تسلیم صدام در جنگ هشت ساله، حضور نظامی و اشغال عراق و افغانستان در سال‌های پس از جنگ سرد و بالاخره تحریم‌های طولانی مدت ایران که فشار فراوان اقتصادی را بر دولت ایران وارد کرد، بخشی از نشانه‌هایی است که از نظر ایران، آمریکا را بخشی از «دیگران» قرار داده است. (Rajaei, 1995: 25-50)



شکل ۲. تعاملات سه کشور از دید هویت

از دید آمریکا هم ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب همواره در صدد بر آمده تا با واشنگتن و هم پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آن مقابله کند. براندازی حکومت شاه به‌عنوان ژاندارم منطقه‌ای آمریکا، اشغال سفارت آمریکا در تهران، اصرار بر تداوم جنگ با عراق در دوران صدام، به خطر انداختن جریان نفت به سوی غرب در سال‌های پایانی جنگ، همراه نشدن با ائتلاف غربی برای رهایی کویت یا تصرف عراق و افغانستان و تلاش برای دست یافتن به سلاح هسته‌ای، سرفصل‌های دلایل آمریکا برای «دیگران» دانستن ایران است. (بلوچی، ۱۳۸۰: ۷۵)

جالب‌ترین بخش این الگو به تلقی ایران و ژاپن از یکدیگر باز می‌گردد. در حالی که ایران نگاهی خودی گونه به ژاپن دارد و تلاش دارد این کشور را یک «ما»

بشناسد، ژاپن به دلیل همراهی با آمریکا ایران را «دیگری» می‌پندارد. در ادبیات رهبران دو کشور این تلقی به خوبی آشکار می‌شود. در حالی که رهبران ایران در ۳۵ سال بررسی ما بارها از ژاپن به نیکی یاد کرده و خواستار توسعه روابط با این کشور به عنوان یک قدرت آسیایی شده‌اند، ژاپنی‌ها اغلب پاسخ سردی به این درخواست‌ها داده‌اند و بیشتر از ایران خواسته‌اند، در امور بین‌المللی در چارچوبی که آمریکا سازنده و تبیین کننده آن بوده حرکت کنند. به همین منوال دیگر نمی‌توان تقاضای ژاپن برای نفت یا نیاز به توسعه روابط اقتصادی را محرک ژاپن به سوی بهبود روابط با ایران دانست؛ بلکه ضدیت و دوگانگی ایران با آمریکا به دلیل مسائل عدیده‌ای که از آن به عنوان سابقه خصومت دو کشور یاد می‌شود، عملاً موجب شده که روابط ایران و ژاپن به سوی گرمی حرکت نکند. (Jmofa, 2013)

۳. نتیجه‌گیری

هر دو دولت هژمون و مقابله کننده با هژمونی در تلاشند تا برساخت‌هایی خاص خود از «ما» و «دیگران» را پدید آورند. در حالی که دولت هژمون، پذیرنده هژمونی را بخشی از خود یا همان «ما» می‌پندارد و بر اساس واقعیات تاریخی دولت پذیرنده هم این برساخت را پذیرفته است، دولت مقابله کننده در تلاش است تا این تلقی یا برساخت را جا بیندازد که دولت پذیرنده هژمونی هم می‌تواند، بخشی از خود او یا همان «ما»ی او باشد. این الگو دقیقاً درباره تعامل آمریکا ژاپن و ایران عملی شده است. به بیان واضح‌تر در طول مدت بررسی ما یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ شمسی آمریکا و ژاپن همواره در رویارویی با ایران به شکل یک «ما»ی واحد ظاهر شده‌اند. ایران هم تلاش کرده است، با نادیده گرفتن آمریکا به توسعه روابط با ژاپن بپردازد و به همراه توکیو یک «ما»ی جدید بیافریند که عملاً در این راه موفق نبوده است.

در این گفتار در مقاطع مختلف به تأثیر سیاست خارجی آمریکا بر روابط ژاپن و ایران اشاره کردیم. مشاهده شد که در همه شش دوران ریاست جمهوری آمریکا پس از انقلاب اسلامی یعنی کارتر، ریگان، بوش اول، کلینتون، بوش دوم و اوباما دوگانه «ما» و «دیگران» درباره ژاپن و ایران به این شکل اجرا شده است که ژاپن به عنوان یک «ما» در کنار آمریکا از نزدیک شدن به ایران خودداری کرده است. به دیگر سخن توکیو در

دوران‌های مختلف با توجه به قرابت بیشتر از نظر منفعت و هویت، حرکتی نکرده که خود را از همراهی با آمریکا و بودن بخشی از «ما»ی آمریکایی جدا کند. البته نزدیکی نسبی روابط آمریکا با ایران در این دوران تا حدودی به بهبود روابط ژاپن با ایران هم منجر شده است؛ اما از آنجا که هم آمریکا و هم ایران تصور می‌کرده‌اند که در صورت نشان دادن کوچکترین نرمشی به طرف مقابل امتیاز داده‌اند و به نوعی در این رویارویی شکست را پذیرا شده‌اند، در روابط دوجانبه کمتر نرمشی از خود نشان داده‌اند و حرکت‌های بهبود روابط ژاپن با ایران عملاً در میانه راه متوقف شده است. به این ترتیب جرقه‌هایی هم که برای بهبود روابط میان ژاپن و ایران زده شده، به موازات عقیم ماندن بهبود روابط آمریکا با ایران به نتیجه خاصی نرسیده است.

منابع

۱. بشیریه، حسین، (۱۳۷۹) نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، موسسه فرهنگی آینده.
۲. بیلینس، جان و استیو اسمیت، (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست و روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران، ابرار معاصر.
۳. خانی، محمد حسن، (۱۳۷۳) ژاپن و خاورمیانه، تهران، وزارت خارجه.
۴. سخایی اردکانی، روح الله، (۱۳۸۹) تحریم آمریکا علیه ایران، تهران، آرون.
۵. علیخانی، حسین، (۱۳۸۸) تحریم ایران شکست یک سیاست، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. نوازی، بهرام، (۱۳۸۱) گاهشمار سیاست خارجی ایران از دیماه ۱۳۵۶ تا مرداد ماه ۱۳۶۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. ونت، الکساندر، (۱۳۸۴) نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، وزارت خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۸. احمدیان، قدرت و سعیده السادات احمدی، (۱۳۹۲) کشمکش بر سر پرونده هسته ای ایران؛ نتولیرالیسم در برابر نئو رئالیسم، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۹: ۱۴-۳۴.
۹. افتخاری، قاسم و علی باقری دولت آبادی، (۱۳۸۹) اعمال فشار آمریکا و تشدید گرایش ایران به استراتژی بازدارندگی، مجله سیاست، شماره ۱۶: ۱-۲۰.
۱۰. بلوچی، حیدر علی، (۱۳۸۰) مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان، مجله: مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۳: ۵۹-۹۰.
۱۱. پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۸) بررسی مفهوم هژمونی؛ با تأکید بر هژمون‌گرایی آمریکا، مجله سیاست دفاعی، شماره ۶۷: ۴۹-۸۰.
۱۲. خبیری، کابک، (۱۳۷۸) فرهنگ سیاسی؛ مقایسه دو سطح تحلیل داخلی و بین‌المللی، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۷: ۷۳-۱۰۲.
۱۳. خواجه پور، بیژن ودیگران، (۲۰۱۳) تأثیر تحریم ایران بر معادلات هسته‌ای تهران، نشریه شورای ایرانی آمریکایی، شماره ۱: ۱-۲۵.
۱۴. رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۰) مبانی بین‌ذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۱: ۸۵-۱۱۵.
۱۵. سازمند، بهاره و اطهره ترک تبریزی، (۱۳۸۹) بازشناسی زمینه‌های هویتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رهیافتی سازه‌انگارانه، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵۰: ۵۱-۷۲.

۱۶. سلیمی، حسین و دیگران، (۱۳۹۳) رویکردی سازه‌انگارانه به روند تکامل و تشدید سیاست تحریمی آمریکا علیه ایران ۱۹۸۰-۲۰۱۲، مجله پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۸: ۳۱-۶۰.
۱۷. سنبل، نبی، (۱۳۸۷) جایگاه ژاپن و چین در همگرایی شرق آسیا، مجله سیاست خارجی، شماره ۸۶: ۸۳۷-۸۴۰.
۱۸. شفیعی، نوذر و دیگران، (۱۳۸۹) تحلیل سازه‌انگارانه از تاثیر قدرت فرهنگی بر هژمونی ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌الملل، مجله مطالعات میان‌فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۲: ۵۳-۸۰.
۱۹. عراقچی، سید عباس، (۱۳۸۹) نگاه آسیایی در روابط معاصر ایران و ژاپن، مجله تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۳: ۱۵۱-۱۷۰.
۲۰. عشرتی خلیل‌آباد، فهیمه حسینی و سید اصغر کیوان حسینی، (۱۳۹۳) رویکردی سازه‌انگارانه به روند تکامل و تشدید سیاست تحریمی آمریکا علیه ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۸: ۳۱-۵۴.
۲۱. قنبرلو، عبدالله، (۱۳۸۷) آمریکا و بحران هسته‌ای ایران، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۴: ۸۲۷-۸۵۲.
۲۲. کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۵) هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۳: ۱-۲۷.
۲۳. کولایی، الهه تیشه‌یار و ماندانا تیشه‌یار، (۱۳۸۷) سازوکارهای دگرگونی در روابط ژاپن با جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۵: ۵۹-۲۱۱.
۲۴. مسعود نیا، حسین، (۱۳۹۰) ارکان سیاست منطقه‌ای ایران در دوران سازندگی با تکیه بر خطبه‌های نماز جمعه تهران، مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶: ۷۷-۱۰۲.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا و هرمز جعفری، (۱۳۹۱) قدرت هژمون و دولت‌های انقلابی: مطالعه موردی آمریکا. فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۱: ۴۷-۷۸.
۲۶. مشیرزاده، حمیرا مسعودی و حیدرعلی مسعودی، (۱۳۸۸) هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴: ۲۶۹-۲۵۱.
۲۷. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶) چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمانی داخلی، مجله سیاست، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۹۰.

هویت و هژمونی، مطالعه موردی: نقش آمریکا در پیوستن ژاپن به تحریم ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲.....

۲۸. یاقوتی، محمد مهدی، (۱۳۹۰) تحلیل سیاست خارجی و هویت خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست خارجی، شماره ۹۶: ۱-۲۸.
29. Allan, J.A, and kaora, Sughara, (1993) Japan and Contemporary Middle East, Routedledge, London.
30. Kingston, Jeff, (2011) Contemporary Japan: History, Politics, and Social Change since 1980s, Wiely-Blackwell, London.
31. Yarshater, Ehsan and others, (2012) Iranica Encyclopedia, Japan and Its Relations with Iran, vol. 14, Newyork, Bibliotheca Persica Press.
32. Armitage, Richard L. and Joseph S. Nye, (2012) “The U.S.-Japan Alliance, Anchoring Stability in Asia”, Center for Strategic & International Studies, Washington:1-32.
33. Buszynski, Leszek, (2006) Japan Security Policy in Koizumi Era, Journal of Security Challenge, Vol. 2, No. 3, London: 93-137.
34. Khan, Saira (2007) “Iran-Us Protracted Conflict and Iran Nuclear Ambitions”, [http:// citation.allacademic.com/meta /p178705_index.html](http://citation.allacademic.com/meta/p178705_index.html), (URL), 2013.
35. Nada, Garrett, (2014) “Iran and Asia: Japan is Torn, Oil Hungry but Anti Nuke”, <http://iranprimer.usip.org /blog/2014 /jan/۳۰/ iran- and -asia-۲-japan-torn-oil -hungry-anti-nuke>, (URL) 2016.
36. Nicole Trisco, Jessica, (2010)”Confronting Change on Two Fronts: The Future of U.S.-Japan Relations”, Int. Studies Association (ISA) 2010 Conference, (URL) 2015.
37. NO name, Jmofa, “Diplomatic Bluebook, International Situation and Japan Diplomacy in 2013”, www.mofa .go .jp/files/ 000055800.pdf, 2014 (URL) 2014.
38. Rajaei, Farhang, The Iran –Iraq war: The politics of Aggression, Vol.1, 1995, Tehran: 25-50.
39. Raquel, Shaul,”Japan and Iran: An evaluation of relationship-building in the context of energy security supply”, newsletter, No. 62, 2012, (URL) 2015, p. 31.